

تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری در فرایند خزش شهر روستاهای نایسر و حسن آباد سنندج

محمدحسن ضیاء توانا - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی
حامد قادرمزی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی
پذیرش مقاله: ۸۷/۸/۱۰ تأیید نهایی: ۸۸/۲/۲۳

چکیده

ازجمله پیامدهای عمده شهرنشینی شتابان، گسترش فضایی شهرها و خوردگی روستاها و اراضی پیرامونی آنهاست که در مادرشهرهای منطقه‌ای نمود گسترده‌ای داشته است. این پدیده در ایران طی نیم قرن اخیر با برجستگی زیادی همراه بوده است. شهر سنندج، که مادرشهری منطقه‌ای است، طی سه دهه اخیر رشد شتابانی در افزایش جمعیت و همچنین در گسترش سطح داشته، به گونه‌ای که خزش پیوسته این شهر طی دوره مذکور هشت روستا را با تمام زمین‌های زراعی، باغی و مراتع پیرامون‌شان در بافت خود ادغام کرده است. علاوه بر این، خزش شهری منفرصل این شهر منجر به تورم جمعیتی و رشد روستاهای پیرامونی شده است. از میان روستاهای پیرامونی شهر، دو روستای نایسر و حسن‌آباد بیشترین میزان رشد جمعیت را در قیاس با دیگر روستاها داشته‌اند، که به‌عنوان نمونه موردی این تحقیق برگزیده شده‌اند. روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر مطالعات اسنادی و میدانی وسیع، ازجمله تکمیل پرسش‌نامه‌های خانوار و روستا، تعیین کاربری اراضی وضع موجود و گذشته و نظایر اینهاست. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هرچند شهر سنندج مبدأ و مقصد همه مهاجران وارد شده به روستاهای نایسر و حسن‌آباد نیست، اما اکثر آنها به دلایلی چون فاصله کم روستاها با شهر، پایین بودن قیمت زمین و مسکن نسبت به شهر، سهولت دسترسی و امکان استفاده از خدمات مختلف شهری، در این روستاها سکنی گزیده‌اند. درواقع این روستاها به منزله عرصه‌ای تکمیلی برای کارکردهای شهر سنندج، بخشی از نقش سکونت - خوابگاهی شهر سنندج را پذیرا گشته‌اند. از این رو می‌توان گفت که افزایش جمعیت، گسترش سطح و به تبع آن تغییر کاربری اراضی روستاهای نایسر و حسن‌آباد، درواقع بخشی از افزایش جمعیت و گسترش شهر سنندج بوده، که طی فرایند خزش شهری به صورت منفرصل از شهر در روستاهای پیرامون آن اتفاق افتاده است.

کلیدواژه‌ها: خزش شهری، آیش اجتماعی، تغییر کاربری اراضی، روستای پیراشهری، شهر سنندج.

مقدمه

روند تحولات جمعیتی سکونتگاه‌های انسانی در نیم قرن اخیر گواه بر کاهش نسبت جمعیت روستا به شهر است، به طوری که در سال ۱۹۵۰ میلادی ۷۰ درصد (۱/۷۷ میلیارد نفر) از کل جمعیت جهان در روستاها و ۳۰ درصد (۷۵۰ میلیون نفر) در شهرها سکونت داشته‌اند. اما در سال ۲۰۰۰ این نسبت‌ها به ترتیب به ۵۳ و ۴۷ درصد تغییر یافته‌اند.

همچنین در کشورهای در حال توسعه در همین مقطع زمانی نسبت جمعیت روستایی و شهری از کل جمعیت به ترتیب از ۸۲/۴۶ و ۱۷/۵۴ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۶۰ و ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۰ تغییر پیدا کرده است (HDI Report, 2002, 25).

بررسی نسبت تغییرات جمعیتی سکونتگاه‌های شهری و روستایی در ایران - به‌عنوان کشوری در حال توسعه - طی نیم قرن اخیر مشابه تغییرات کل جمعیت کشورهای جهان و شدیدتر از کشورهای در حال توسعه بوده است. مطالعه سرشماری‌های رسمی ایران در پنجاه سال گذشته نشان می‌دهد که دقیقاً سهم جمعیت روستایی و شهری از کل جمعیت کشور به‌صورتی معکوس دگرگون شده، و نسبت جمعیت روستایی و شهری به ترتیب از ۶۸/۵ و ۳۱/۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۱/۵ و ۶۸/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ تغییر یافته است. این دگرگونی‌های نسبی جمعیت در ایران نشان از رشد شتابان شهرنشینی، شهرشدگی روستا، روستاگریزی، روند نامتعادل‌تر شدن توزیع فضایی جمعیت و نظایر اینها دارد. به‌نظر می‌رسد که چهار عامل عمده در این جریان نقش‌آفرین بوده‌اند: ۱- حرکت انبوه مردم از روستاها به شهرها؛ ۲- تبدیل برخی از روستاها به شهر؛ ۳- رشد طبعی جمعیت شهرها؛ و ۴- گسترش فیزیکی شهرها و به تبع آن ادغام روستاهای مجاور در فضای شهر (قادرمرزی و افشاری، ۱۳۸۷، ۳).

عوامل چهارگانه یادشده، هریک به تنهایی و یا در پیوند با یکدیگر و متأثر از نیروهای دافعه درون روستاها و نیروهای جاذبه شهرها اثرگذار بوده‌اند و خود معلول اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور هستند. اما از چهار عامل یاد شده، سه عامل نخست به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منجر به گسترش فیزیکی پیوسته و ناپیوسته شهر در فضای پیرامون می‌شوند. درواقع بازتاب اکولوژیکی شهرها و به‌ویژه شهرهای بزرگ و روند رو به رشد جمعیت آنها در درجه اول گسترش فضایی یا توسعه کالبدی شهرها و دست‌اندازی به زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی پیرامون است (نظریان، ۱۳۸۱، ۳۶۷).

اما شهرها نمی‌توانند برای همه جمعیت افزوده شده فضای حیاتی مناسبی فراهم کنند؛ و به همین خاطر بخشی از جمعیت اضافه شده به شهر به پیرامون آن رانده می‌شوند. در این مورد سکونتگاه‌های روستایی نزدیک به شهر اصلی‌ترین مکان جذب چنین جمعیتی هستند. درواقع مجاورت با شهر امکان استفاده از خدمات موجود در شهر را به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی برای ساکنان این‌گونه روستاها امکان‌پذیر می‌سازد. در نتیجه بسیاری از مهاجران به شهر - و حتی ساکنان قبلی آن نیز - به دلیل پایین بودن هزینه‌های زندگی و مخصوصاً هزینه‌های تأمین زمین و مسکن در روستاهای پیرامونی نسبت به شهر، به این‌گونه روستاها مهاجرت می‌کنند. در چنین فرایندی، بسیاری از این روستاها پس از مدتی کارکرد «سکونت - خوابگاهی» پیدا خواهند کرد؛ یعنی بیشتر ساکنان آنها روزها در مشاغل مختلف شهر اشتغال پیدا می‌کنند و شبها در روستاهای پیرامون شهر به سر می‌برند. به این ترتیب اقتصاد روستا تحت تأثیر همجواری با شهر به تدریج تغییر پیدا می‌کند و از مکانی تولیدی با محتوایی غالباً کشاورزی، به کانونی بی‌هویت و مصرف‌کننده منابع شهر تبدیل می‌گردد و در نتیجه ساختار اقتصادی روستا تابع فرایندهای اقتصادی شهر می‌شود.

بنابراین مهاجرپذیری روستاها که پدیده‌ای نو و مختص نیم قرن اخیر است (رضوانی، ۱۳۸۱، ۸۶)، در بیشتر روستاهای پیراشهری صورت می‌پذیرد. در اثر مهاجرپذیری، جمعیت این روستاها فوق‌العاده افزایش می‌یابد، و همین

افزایش جمعیت باعث افزایش تقاضا برای زمین و مسکن و در نتیجه افزایش قیمت زمین‌های کشاورزی روستا و تغییر و تبدیل آنها به کاربری‌های مسکونی، خدماتی، صنعتی و جز اینها می‌شود. بالطبع روستاییان زمین‌دار با شوق و ذوق به منظور کسب درآمدهای هنگفت، بدون کار و کوشش، به نوعی «رانت» روی می‌آورند؛ به این ترتیب که اراضی زراعی و باغی خود را با حفظ و حراست دقیق‌تر در تثبیت بیشتر مالکیت یا تصرف از گردونه اقتصاد کشاورزی خارج می‌کنند. به تدریج با فروش قسمت‌هایی یا حتی تمام زمین‌های روستاییان به متقاضیان (اعم از مهاجران وارده، بورس‌بازان زمین و جز اینها) و نیز ساخت‌وسازهای قانونی و غیرقانونی، در نحوه کاربری اراضی از کشاورزی به مسکونی، تجاری، صنعتی و مانند اینها تغییرات بنیادین رخ می‌دهد. رها گذاشتن این زمین‌ها با اهداف یادشده را «آیش اجتماعی»^۱ زمین می‌گویند. این اصطلاح را که اولین بار جغرافی‌دان صاحب‌نام آلمانی ولفگنگ هارتهکه^۲ در سال ۱۹۵۶ به کار گرفت و وارد متون علم جغرافیا کرد (Hartke, 1956, 206 و لوبو، ۱۳۵۴، ۲۳)، امروزه نقش‌آفرینی بیش از پیش خود را در روستاهای پیراشهری کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. علاوه بر این، متأثر از جمعیت گسترده مهاجر و از سویی نیز گسترش فیزیکی شهر، جنگل‌ها و مراتع و دیگر منابع و چشم‌اندازهای طبیعی روستاهای پیرامون شهر در معرض تغییر و تحول به کاربری‌های مصنوع قرار می‌گیرند.

تعریف خزش شهری^۳

خزش شهری از پیامدهای گسترش شتابان مادرشهرها به‌ویژه طی نیم‌قرن اخیر، و به معنی «اتفاق» گسترش شهرها در نواحی روستایی پیرامون است که اغلب کاربرد آن بار منفی دارد (Audrey, 1985, 454). در این فرایند، که در نتیجه جابه‌جایی و تغییر مکان فعالیت‌ها از شهر مرکزی به پیرامون رخ می‌دهد (Anas, 1999, 2)، گستره زیادی از جریان‌های سرمایه‌گذاری و فرصت‌های اقتصادی از مرکز به پیرامون تغییرجهت می‌دهند (Frumkin, 2002, 20). خزش شهری درواقع پراکندگی و گسترش نامنظم اجزای شهر در پیرامون آن است، که ویژگی‌های آن را می‌توان چنین برشمرد:

۱. پراکنش کنترل نشده رشد شهر بر روی زمین‌های روستایی؛
۲. تراکم جمعیتی نسبتاً پایین؛
۳. تغییر کاربری زود هنگام زمین‌های کشاورزی و روستایی؛
۴. گسترش بی‌رویه شهر به پیرامون؛
۵. پراکنش شهر در امتداد جاده‌های منتهی به مادرشهر؛
۶. گسترش‌های اتفاقی، بدون برنامه‌ریزی و نامنظم؛ و
۷. (در بیشتر موارد) به هم پیوستن سکونتگاه‌های سابقاً مجزا از هم.

1. Social Fallow (Socialbrache)
 2. Hartke, Wolfgang (1908-1997)
 3. Urban Sprawl

پیشینه‌ای کوتاه از خزش شهری

لوییس مامفورد معتقد است که بسیاری از کشورهای جهان اکنون وارد دوره‌ای شده‌اند که نه تنها جمعیت شهری‌شان بیش از جمعیت روستای آنهاست، بلکه سطح واقعی زمین‌های اشغال شده از طریق گسترش شهرها و یا زمین‌هایی که رشد شهری در آنها دارای تقدم است، با آنچه به کشت و کار اختصاص داده می‌شود، به رقابت خواهد پرداخت. او علت چنین پدیده‌ای را پیشرفت وسایل نقلیه می‌داند و می‌گوید که شهر تابع ترافیک موتوری فضا را می‌بلعد و اجزای خود را به‌گونه‌ای بی‌قاعده در سراسر منطقه‌ای معین می‌پراکند (مامفورد، ۱۳۸۷، ۶۹۹-۶۷۸).

شکوئی بر این باور است که در زمان ما، توسعه فیزیکی ناموزون مادرشهرها یکی از مسائل مهم را در کاربری زمین به‌وجود می‌آورد. این نوع توسعه درواقع ادامه گسترش شهر در اطراف آن است و از نتایج عمده آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی اطراف مادرشهرها و رها کردن این زمین‌ها به مدت چند سال برای کسب سود بیشتر (آیش اجتماعی زمین)؛
 - انتقال فرصت‌های اشتغال از شهر مرکزی به اطراف آن؛
 - کاهش زمین و در نتیجه مشکل ایجاد تأسیسات عمومی در اطراف مادرشهرها؛ و
 - افزایش هزینه تأمین خدمات عمومی در بخش‌های کم‌تراکم اطراف شهرها (شکوئی، ۱۳۷۹، ۲۳۹-۱۹۹).
- شاریه با ذکر نمونه‌هایی از گسترش فضایی شهرهایی چون پاریس، لس‌آنجلس، کالیفرنیا، کینشازا، کلکته، بانکوک، سائوپولو، قاهره، دمشق و برخی دیگر به این نتیجه رسیده است که خوردگی فضا به‌وسیله شهرها به نسبت سریع‌تر از رشد جمعیت شهر افزایش می‌یابد. وی به‌عنوان نمونه از ایالات متحد آمریکا نام می‌برد که شهرنشینی در این کشور سالیانه مصرف‌کننده ۴۰۰،۰۰۰ هکتار از اراضی مرغوب و ۸۰۰،۰۰۰ هکتار اراضی نیمه‌مرغوب است و پیامدهایی چون زمین‌بازی، قطعه‌قطعه شدن زمین‌های کشاورزی و آلودگی محیط زیست را در بر دارد (شاریه، ۱۳۷۳، ۲۵۴-۲۴۳).
- زهانگ در مطالعه‌ای درباره شهرهای چین نشان داده است که عاملان اصلی خزش شهری در این کشور، فقرای شهری یا همان کسانی‌اند که نتوانسته‌اند در شهر زمین داشته باشند و به اجبار اقتصادی مجبور به اسکان در حاشیه و پیرامون محدوده شهرها شده‌اند. وی در این تحقیق نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶ حدود ۵/۸ میلیون هکتار زمین کشاورزی در این کشور از بین رفته و یا تغییر کاربری داده شده است، که ۱۸/۲ درصد این اراضی به زیر ساخت‌وسازهای شهری رفته‌اند. یعنی نزدیک به یک‌پنجم اراضی کشاورزی در دوره ده ساله یادشده پیامد گسترش شهری است (Zhang, 2000, 122-131).

ژان باستیه و برنار دزر با برجسته کردن نقش «زمین» در توسعه شهرهایی چون پاریس، بر این باورند که شتاب شهرسازی در مناطق پیراشهری نخست ناشی از بهای زمین و امکانات دستیابی به فضا و ساختمان‌سازی روی زمین‌های ارزان است و منطقه پیراشهری، بازتاب حقیقی فعالیت‌های شهر است، که به چند صورت در جریان گسترش شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد: (۱) خانه‌سازی افراد جوان و خانواده‌های کم‌درآمد؛ (۲) خانه‌سازی ویلایی افراد مرفه؛ (۳) پارک‌های تفریحی و زمین‌های گلف، تنیس و نظایر اینها؛ (۴) پارک‌های تکنولوژی؛ و (۵) کارخانه‌ها، صنایع و دیگر مراکز فعالیتی (باستیه و دزر، ۱۳۸۲، ۲۱۹-۲۰۴).

ریان اعمال سیاست‌های محلی کاربری زمین را عاملی اساسی در خزش شهری می‌داند. وی بر این باور است که دولت‌های محلی در ایالت کالیفرنیا و مخصوصاً بخش وتورا، هنگامی که در دهه ۱۹۸۰ از لحاظ مالی در تنگنا بودند، مالیات مستقیم بر ساختمان‌سازی را کاهش دادند، و از این راه توانستند ساختمان‌سازی را تشویق کنند و درآمدهای خود را افزایش دهند. نتایج این مطالعه که شاخص‌های خزش شهری را در سال‌های ۱۹۸۶ و ۲۰۰۰ بررسی می‌کند، نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۶ مجموع مساحت نواحی ساخته شده شهری در منطقه مورد مطالعه ۶۹۲۳ هکتار بوده که تا سال ۲۰۰۰ به ۱۱۴۳۳ هکتار افزایش یافته است؛ درحالی‌که میزان تراکم جمعیت (نفر در هکتار) از ۱۲ نفر در سال ۱۹۸۶ به ۸ نفر در سال ۲۰۰۰ کاهش پیدا کرده، و درواقع میزان تغییرات تراکم جمعیت در دوره یاد شده ۲۹/۶- درصد بوده است (Ryan. Ch. 2001, 6-70).

لانگو ماریو معتقد است که خزش شهری از ویژگی‌های شناخته شده بیشتر شهرهای کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه آمریکای لاتین است، که چشم‌اندازی از فقر، اسکان غیررسمی و کاربری غیرقانونی زمین در حاشیه شهرها، فقدان یا کمبود شدید زیرساخت‌ها و همچنین امکانات و خدمات عمومی را نشان می‌دهد. در این کشورها فرایند شهرنشینی با تأخیر صورت گرفته و در جریان آن، نفوذ سنتی و قوی شهرهای بزرگ‌تر و سرمایه‌داری با الگوی کاملاً متمرکز، ظاهراً مقررات شهری را محدود کرده و موجب گسترش افقی بیش از حد شهرها شده است (Mario, 2001, 32-37).

یوجی هارا و همکاران در بررسی شهرنشینی و پیوند آن با کاربری اراضی کشاورزی در کمربند شهری شهرهای بزرگ آسیا، بیان می‌کنند که ناحیه تحت تأثیر خزش شهری به‌عنوان ترکیبی از کاربری اراضی شهری و روستایی به‌طور فزاینده و سریعی در حواشی شهرهای بزرگی که در نواحی دلتایی رودخانه‌های آسیا قرار دارند، به‌وجود می‌آید. تغییرات کاربری اراضی در این نواحی به‌شدت باعث به‌وجود آمدن مشکلات زیست‌محیطی می‌شود، که خود نیازمند کنترل رشد پویای شهری است (Yuji & et al., 2005, 15-28).

سیاستیان مارتینوزی و همکاران نشان می‌دهند که در جزیره پرتوریکو بیش از نیمی از گسترش‌های شهری در بیرون از محدوده‌های مراکز شهری و در نتیجه طرح نامناسب احیای اراضی اتفاق افتاده، که موجب خزش شهری در ۴۰ درصد از سطح جزیره شده است. این پدیده باعث شده است که بیش از یک‌چهارم از بهترین زمین‌های حاصلخیز برای کشاورزی به زیر ساخت‌وساز برود و فضاهای باز منطقه نیز به شدت تحت فشار قرار بگیرند. این خزش شهری در امتداد جاده‌های روستایی، مخصوصاً در اطراف شهرها بزرگ مانند سان خوان، دیده می‌شود (Martinuzzi, & et al., 2007, 288-297).

بنابراین، خزش شهری همیشه منجر به تغییر کاربری زمین می‌شود. حال ممکن است که این تغییر در زمین‌های زراعی و باغی صورت پذیرد و یا مراتع و جنگل‌ها و دامنه‌های کم و بیش شیب‌دار کوه‌ها و تپه‌ها را دربرگیرد؛ زیرا جمعیت و فعالیت‌هایی که از شهر مرکزی در فرایند خزش به پیرامون منتقل می‌شوند، برای استقرار در پیرامون نیاز به زمین دارند. از این رو می‌توان گفت که تغییر کاربری اراضی در پیرامون شهر نسبت مستقیم با اندازه شهر دارد و هرچه شهر بزرگ‌تر باشد و فاقد برنامه‌ریزی دقیق، تأثیر آن در تغییر کاربری اراضی پیرامونی بیشتر است (قادرمرزی، ۱۳۸۳، ۳۷).

در مورد ایران نیز مساحت ۱۷۰ شهر کوچک و بزرگ در سی استان کشور با دامنه جمعیتی از ۲۴۸۸ نفر (نالوس در استان آذربایجان غربی) تا ۷۷۹۷۵۲۰ نفر (تهران) در سال ۱۳۸۵ مورد مطالعه قرار گرفته است. کل جمعیت ۱۷۰ شهر یاد شده ۳۴۹۷۲۶۷۷ نفر (معادل ۷۳ درصد جمعیت شهری کشور) و مجموع مساحت محدوده قانونی آنها ۷۴۳۱۱۲۱۱۰ مترمربع (معادل ۷۴۳۱۱۲/۱۱ هکتار) بوده است؛ یعنی سرانه شهری جمعیت شهرهای مذکور ۲۱۲/۴۸ مترمربع است. در صورت تعمیم این سرانه به کل جمعیت شهری کشور (۴۸۲۴۵۰۷۵ نفر)، می‌توان گفت که در سال ۱۳۸۵ مجموع مساحت محدوده قانونی شهرهای کشور ۱۰۲۵۱۲۸۸۳۱۱ مترمربع (معادل ۱۰۲۵۱۲۸/۸۳ هکتار) بوده است (قادرمزی، ۱۳۸۸، ۳۲). نکته حایز اهمیت در این زمینه، این است که مساحت مذکور فقط محدوده کالبدی موجود شهرها را دربرمی‌گیرد، درحالی‌که شهرها و به‌ویژه شهرهای بزرگ تنها در داخل محدوده‌شان رشد نمی‌کنند، بلکه ساکنان شهرهای بزرگ در مناطق مادرشهری بزرگ‌تر - از محدوده موجود شهر - پراکنده می‌شوند. این پراکنش جمعیتی نیز معمولاً منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های خودرو در حاشیه شهرهای اصلی و مخصوصاً به‌صورت بزرگ‌تر شدن و تورم روستاهای از قبل موجود می‌شود. درواقع این سکونتگاه‌های خودرو و روستاهای پیراشهری به علت تقبل بخشی از کارکردهای شهری و به‌ویژه مسکونی، بخشی از شهر به‌شمار می‌آیند که فقط به لحاظ کالبدی از شهر مجزا هستند. این موضوع زمانی بیشتر جلب توجه خواهد کرد که بپذیریم امروزه بسیاری از کارکردهای شهری به علت اینکه نیاز به زمین زیاد دارند، در محدوده‌هایی مجزا از محدوده قانونی شهر و در پیرامون آن شکل می‌گیرند؛ مانند دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و اداری، گورستان‌ها، مراکز فعالیتی مختلف، پارک‌ها و دیگر تأسیسات و تجهیزات شهری که همگی بخشی و جزئی از اجزای یک شهرند که بیشتر آنها طی فرایند خزش شهر در پیرامون از محدوده آن استقرار یافته‌اند. اگر سطح اشغال شده به‌وسیله چنین کاربری‌های شهری واقع در خارج از محدوده شهرها را - که بسیار زمین بر هستند - نیز به مساحت محدوده قانونی شهرهای کشور اضافه کنیم، به احتمال زیاد سطح اشغال شده به‌وسیله شهرهای کشور در زمان حاضر حدود دو میلیون هکتار خواهد بود.

خزش شهری سندج از سال ۱۳۵۵ تاکنون

شهر سندج به‌عنوان مرکز سیاسی - اداری استان کردستان و مادرشهر منطقه‌ای، نقش قطب مسلط جمعیتی و اقتصادی و سیاسی استان را دارد و به‌خاطر ساختار خاص در عرضه خدمات و امکانات مختلف نه تنها مکان مراجعه روستاییان، بلکه ساکنان سایر شهرهای استان و حتی شهرها و روستاهای خارج از استان نیز هست، به‌طوری‌که شاید بتوان به بهترین نحو اصطلاح «غصب انحصاری تأمین نیازها» (اهلرس، ۱۳۸۰، ۲۳۴) در منطقه را به آن نسبت داد.

بررسی تحولات جمعیتی شهر سندج در سی سال اخیر نشان می‌دهد که بیشترین شدت رشد شهرنشینی سندج در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ بوده است (جدول ۱). این دهه حداقل در سده اخیر اوج بحران‌های سیاسی و اجتماعی در ایران و به‌ویژه در کردستان است. پیامدهای پس از اجرای اصلاحات ارضی، وقوع انقلاب اسلامی و ناآرامی‌های حاصل از آن، جنگ تحمیلی، به همراه ناآرامی‌های ناشی از جنگ استقلال‌طلبان کُرد (کومله و دموکرات) به‌ویژه در شهر سندج با نظام جمهوری اسلامی ایران - و تمرکز تلاش‌های بیشتر ادارات و سازمان‌های دولتی استان برای مقابله با مخالفان - زمینه

مناسبی را برای مهاجرت به شهر و بهره‌گیری سوداگران زمین فراهم کرد تا به تصرف اراضی عمومی و مراتع پیرامون شهر بپردازند. از این رو بیشترین مهاجرت به شهر سنندج نیز در این دوره صورت گرفته است، به گونه‌ای که جمعیت شهر سنندج در این دهه با نرخ رشد بی‌سابقه ۸ درصد، ۲/۱۳ برابر افزایش یافت.

بالطبع این شهر طی سه دهه اخیر رشد شتابانی در افزایش جمعیت و همچنین در گسترش سطح داشته است، به گونه‌ای که جمعیت آن از ۹۵۸۷۲ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳۱۶۸۳۲ نفر (۳/۳ برابر) در سال ۱۳۸۵ افزایش می‌یابد. همچنین در دوره یاد شده مساحت - یا درواقع محدوده قانونی - شهر از ۳۹۷ هکتار به ۳۸۱۵ هکتار گسترش پیدا کرده، اما تراکم جمعیت شهر از ۲۴۱/۵ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۸۳ نفر در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است (جدول ۱)، این امر نشان‌دهنده مشخصه‌های خزش شهری است. درواقع در دوره سی‌ساله ۱۳۵۵-۱۳۸۵ مساحت شهر سنندج نزدیک به ۱۰ برابر بزرگ‌تر شده است. به عبارت دیگر، رشد فیزیکی پیوسته این شهر طی دوره مذکور در کل ۳۴۱۸ هکتار و به‌طور متوسط سالیانه باعث تغییر کاربری ۱۱۴ هکتار از زمین‌های زراعی، باغی و مراتع و تبدیل آنها به ساخت‌وسازهای شهری بوده است.

جدول ۱. تغییرات جمعیت و مساحت شهر سنندج طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۵

سال	تغییرات جمعیت		تغییرات مساحت		تغییرات در تراکم جمعیت
	تعداد جمعیت	متوسط نرخ رشد سالیانه	مساحت به هکتار	متوسط نرخ رشد سالیانه	
۱۳۵۵	۹۵۸۷۲	---	۳۹۷	---	۲۴۱/۵
۱۳۶۵	۲۰۴۵۳۷	۷/۸۷	۱۷۰۳	۱۵/۶۷	۱۲۰/۱
۱۳۷۵	۲۷۷۸۰۸	۳/۱۱	۳۵۰۰	۷/۴۷	۷۹/۴
۱۳۸۵	۳۱۶۸۳۲	۱/۳۲	۳۸۱۵	۰/۸۶	۸۳/۴۰۴
میانگین نرخ رشد دوره سی ساله		۴/۰۶	---	۷/۸۳	---

منبع: پردازش بر اساس سالنامه آماری استان کردستان، ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵؛ و سازمان مسکن و شهرسازی استان کردستان، ۱۳۸۷

درواقع گسترش فیزیکی پیوسته شهر سنندج طی دوره مذکور فضاهای زیستی پیرامون (روستاها، زمین‌های زراعی، باغی و مراتع) را به شدت دگرگون کرده است، به گونه‌ای که در این دوره هشت روستا با تمام زمین‌های زراعی، باغی و مراتع پیرامون‌شان بر اثر «خزش شهری» در بافت شهر ادغام شده (جدول ۲) و اکنون کوچک‌ترین نشانه‌ای از ساختارهای روستایی خود را ندارند.

تردیدی نیست که تمرکز اقتصادی، سیاسی، جمعیتی، فرهنگی، اداری و خدماتی در شهر سنندج زمینه اشتغال نسبتاً وسیعی را در این شهر فراهم کرده است که با دیگر شهرها و روستاهای استان تفاوت زیادی دارد. چنین تمرکزی باعث گسترش روابط این شهر به‌عنوان مرکز استان با دیگر شهرها و روستاهای استان کردستان و حتی استان‌های همجوار شده، کارکردهای شهری آن را افزایش داده و در نتیجه نیازهای فضایی درون شهر را بالا برده است.

جدول ۲. روستاهای ادغام شده در شهر سنندج طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۵

ردیف	نام روستا	آخرین جمعیت رسمی ثبت شده از روستا		دوره زمانی ادغام در شهر
		تعداد	سال سرشماری	
۱	کمیز	۵۰۹	۱۳۵۵	۱۳۵۵-۱۳۶۵
۲	حاجی آباد	۱۴۵۷	۱۳۵۵	۱۳۵۵-۱۳۶۵
۳	میارک آباد	۱۰۹	۱۳۵۵	۱۳۵۵-۱۳۶۵
۴	فرجه	۲۱۸۲	۱۳۶۵	۱۳۶۵-۱۳۷۵
۵	قرادیان	۱۲۴۰	۱۳۶۵	۱۳۶۵-۱۳۷۵
۶	خانقاه سنندج	۳۱۷	۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۰
۷	دگایران	۱۳۹۱	۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۰
۸	قشلاق	۱۱۰۸	۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۰

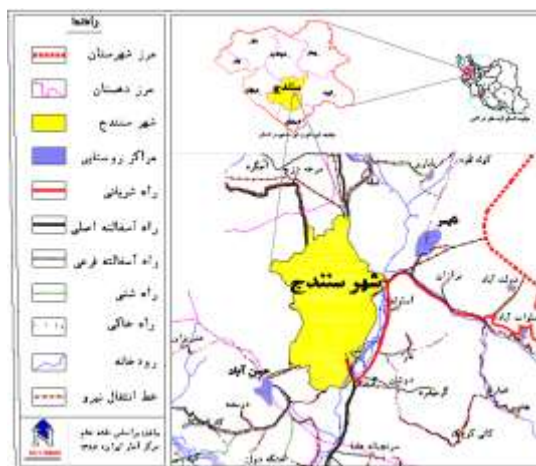
منبع: براساس شناسنامه آبادی‌های استان کردستان (۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵)، و مطالعات میدانی ۱۳۸۷

محدودیت فضایی موجود درون شهر (به‌ویژه بالا بودن قیمت زمین)، فشارهای ناشی از آن را در نخستین مرحله به روستاهای مجاور شهر انتقال داده است که علاوه بر موارد یاد شده، خزش شهری سنندج در سی سال اخیر، منجر به تورم جمعیتی و رشد روستاهای پیرامونی نیز شده است. این خود به‌گونه‌ای است که نرخ رشد جمعیت بسیاری از این روستاها در دوره مذکور بسیار زیاد و بس بیشتر از نرخ رشد جمعیت شهری کشور (۲/۴۹ درصد) و شهر سنندج (۴/۰۶ درصد) است. اما رشد این روستاها متأثر از استعدادهای بالقوه روستاها نیست (و در بسیاری از موارد عکس آن است) بلکه ناشی از موقعیت ارتباطی روستا با شهر (فاصله نسبتاً کم با شهر، وجود جاده مستقیم به شهر و عبور راههای اصلی شهر از کنار روستا) است. از میان روستاهای پیرامونی شهر سنندج، دو روستای نایسر و حسن‌آباد بیشترین میزان رشد جمعیت را نسبت به دیگر روستاها داشته‌اند که به‌عنوان نمونه موردی این تحقیق برگزیده شده‌اند.

موقعیت نسبی روستاهای مورد مطالعه

روستای نایسر در سال ۱۳۷۴ در فاصله ۴ کیلومتری شرق شهر سنندج قرار داشته است (سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۷۴، ۳۴۲)؛ اما به علت گسترش شهر در جهت شرق و رشد کالبدی روستا در جهت جنوب، فاصله کنونی روستا از محدوده قانونی شهر سنندج ۱۸۰۰ متر است. همچنین به علت گسترش کالبدی نسبتاً زیاد شهر سنندج در جهت جنوبی، در زمان حاضر روستای نایسر در شمال شرقی شهر سنندج قرار دارد و جاده ارتباطی اصلی سنندج - همدان در یک کیلومتری جنوب آن واقع است (شکل ۱).

در سال ۱۳۷۴ روستای حسن‌آباد در ۵ کیلومتری جنوب غربی شهر سنندج قرار داشته است (سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۷۴، ۱۰۶) اما به علت گسترش کالبدی شهر سنندج در جهت جنوبی و رشد کالبدی روستا در جهت شمال، فاصله این روستا از محدوده قانونی موجود شهر به ۸۰۰ متر کاهش یافته است (شکل ۱). این روستا در کنار یکی از قدیمی‌ترین راههای ارتباطی شهر سنندج با منطقه جنوبی آن قرار دارد.



شکل ۱. موقعیت روستاهای مورد مطالعه نسبت به شهر سنندج

تبیین تغییرات کاربری زمین در روستاهای مورد مطالعه

شکل‌گیری نظام کاربری زمین در هر جامعه و نحوه تقسیم اراضی و استفاده از آن در فعالیت‌ها و خدمات مختلف، بازتاب و برآیند عملکرد مجموعه‌ای از عوامل و نیروهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و مانند اینهاست (مهدی‌زاده، ۱۳۷۹، ۶۲). درواقع اوضاع اجتماعی، اقتصادی، اداری - سیاسی و جز اینها در بیشتر موارد به طور مستقیم و غیرمستقیم عامل تعیین کاربری زمین هستند.

جدول ۳. تغییرات تعداد و نرخ رشد جمعیت روستاهای نایسر و حسن‌آباد طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۷

سال							نام روستا	تغییرات جمعیتی
۱۳۸۷	۱۳۸۵	۱۳۸۳	۱۳۸۰	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵		
۱۸۹۷۲	۱۳۲۶۵	۶۲۹۱	۲۲۹۶	۹۳۸	۴۴۶	۳۵۳	نایسر	تعداد
۹۱۴۸	۷۴۶۹	۵۲۰۴	۳۶۷۱	۲۹۵۶	۱۷۵۴	۱۴۴۰	حسن آباد	
۲۸۱۲۰	۲۰۷۳۴	۱۱۴۹۵	۵۹۶۷	۳۸۹۴	۲۲۰۰	۱۷۹۳	مجموع	
۱۹/۵۹	۴۵/۲۱	۳۹/۹۳	۱۹/۶۱	۷/۷۲	۲/۳۷		نایسر	نرخ رشد
۱۰/۶۷	۱۹/۸	۱۲/۲۳	۴/۴۳	۵/۳۶	۱/۹۹		حسن آباد	
۱۶/۴۶	۳۴/۳	۲۴/۴۳	۸/۹۱	۵/۸۷	۲/۰۷		مجموع	

منبع: براساس داده‌های شناسنامه آبادی‌های استان کردستان (۱۳۷۵-۱۳۵۵) و خانه بهداشت روستاهای نایسر و حسن‌آباد (۱۳۸۷-۱۳۸۰)

از میان مجموعه عوامل اجتماعی، تغییرات جمعیت مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تغییر کاربری زمین است. تغییرات جمعیتی روستاهای مورد مطالعه تا سال ۱۳۶۵ افزایشی است و نرخ رشد آن روند متعادلی را نشان می‌دهد که می‌توان آن را متأثر از نرخ رشد طبیعی جمعیت در دوره مذکور دانست. اما در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ تغییرات جمعیتی این روستاها افزایش عمده‌ای را در مقایسه با دوره قبل نشان می‌دهد که ناشی از مهاجریزیری آنهاست. ثبات سیاسی در منطقه و

نظارت شهرداری بر ساختوسازها در درون محدوده قانونی شهر از اوایل دهه ۱۳۷۰ به بعد، علت اساسی مهاجری این روستاها بوده است. درواقع کنترل ساختوساز درون شهر باعث تغییر جهت مهاجرت‌ها به نزدیک‌ترین روستاهای پیراشهری شد؛ یعنی جایی که هیچ نوع مدیریت و نظارتی بر ساختوسازها حتی در زمین‌های زراعی، باغ‌ها، مراتع و شیب‌های تند صورت نمی‌گرفت. سپس افزایش قیمت زمین و مسکن در شهر سنندج از اوایل دهه ۸۰ ه.ش. منجر به رشد شتابان مهاجری این روستاها گردید، به گونه‌ای که روستاهای نایسر و حسن‌آباد در طی هفت سال اخیر با نرخ رشدی فوق‌العاده ۴۵/۲ و ۱۹/۸ درصد در سال مواجه بوده‌اند (جدول ۳).

بررسی پرسش‌نامه‌های خانوار نشان می‌دهد که محل تولد ۲۹ درصد از سرپرستان خانوارهای مهاجر به روستاهای مورد مطالعه، شهر سنندج و محل تولد ۱۴/۵ درصد آنان دیگر شهرهای استان بوده است. بنابراین، ۴۳/۵ درصد مهاجران وارد به روستاهای نایسر و حسن‌آباد متولد شهرهای استان کردستان هستند. به علاوه، ۴۵/۵ درصد سرپرستان خانوارهای مهاجر به این روستاها طی سه دهه گذشته حداقل یک سال در شهر سنندج سابقه سکونت داشته‌اند، که بیشتر آنان خانواده‌های نوپا و کم‌درآمد شهری هستند که اغلب به علت نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به شهر سنندج و تفاوت در هزینه‌های اجاره و تأمین زمین و مسکن نسبت به شهر، به این روستاها مهاجرت کرده‌اند. همچنین محل تولد ۲۶ درصد سرپرست خانوارهای مهاجر ساکن این روستاها، در روستاهای اطراف محل سکونت فعلی آنان، و محل تولد ۳۰/۵ درصد این مهاجران نیز دیگر روستاهای استان کردستان است (جدول ۴).

جدول ۴. محل تولد مهاجران وارد به روستاهای نایسر و حسن‌آباد (درصد)

نام روستا	شهر سنندج	شهرهای دیگر استان	روستاهای اطراف	روستاهای دیگر شهرستان‌های استان	جمع	مهاجرانی که طی ۳۰ سال گذشته حداقل یک سال ساکن شهر سنندج بوده‌اند
نایسر	۲۵	۱۳	۳۰	۳۲	۱۰۰	۴۰
حسن‌آباد	۳۳	۱۶	۲۲	۲۹	۱۰۰	۵۱
میانگین	۲۹	۱۴/۵	۲۶	۳۰/۵	۱۰۰	۴۵/۵

منبع: پرسش‌نامه‌های تحقیق، ۱۳۸۷

براساس مطالعات میدانی به عمل آمده از نظر اقتصادی، تنها ۲/۷ درصد از کل شاغلان روستاهای مورد مطالعه در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. همچنین محل کار ۸۵ درصد شاغلان خارج از روستای محل سکونت آنهاست (جدول ۵)، که چنین وضعیتی درواقع نشان از نقش سکونتی - خوابگاهی روستا برای تعدادی از شاغلان شهر سنندج و دیگر مراکز فعالیتی پیرامون آن دارد.

جدول ۵. محل کار شاغلان ساکن در روستاهای نایسر و حسن‌آباد، سال ۱۳۸۷ (درصد)

نام روستا	روستای محل سکونت	شهر سنندج	کارخانه‌ها و ادارات پیرامون شهر سنندج	سایر	جمع
نایسر	۱۳	۶۱/۸	۲۱/۲	۴	۱۰۰
حسن‌آباد	۱۶/۸	۶۹	۱۱/۷	۲/۵	۱۰۰
میانگین	۱۴/۹	۶۵/۴	۱۶/۴۵	۳/۲۵	۱۰۰

منبع: پرسش‌نامه‌های تحقیق، ۱۳۸۷

بنا به اظهار نظر معتمدان محلی بسیاری از اهالی روستاهای مورد مطالعه به خاطر داشتن خانه مستقل و تحت تملک خود به این روستاها مهاجرت کرده‌اند. بیشتر این افراد، با زندگی در آپارتمان و حتی زندگی کردن بیش از یک خانواده در یک ساختمان (حتی دوطبقه) مخالف‌اند؛ و بنابراین اقدام به خرید زمین حتی در فاصله نسبتاً دور از بافت روستا و ساخت‌وساز در آن کرده‌اند. تعدادی نیز بدون اینکه حاضر به پرداخت پولی برای خرید زمین باشند و در شرایط فقدان مدیریت بر ساخت‌وسازها، در دامنه کوه‌ها و تپه‌های مجاور روستا اقدام به احداث غیرقانونی بنا بر روی مراتع و منابع طبیعی کرده‌اند، که برآیند چنین فرایندی علاوه بر افزایش هزینه‌های خدمات‌رسانی (آب، برق، گاز، تلفن) و تخریب و تغییر کاربری مراتع و چشم‌اندازهای طبیعی منطقه، بافت نسبتاً گسترده و پراکنده روستاهاست، به‌گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۷۵ بافت روستای نایسر ۱۷ برابر و بافت روستای حسن‌آباد ۸ برابر بزرگ‌تر شده‌اند (جدول ۸ و شکل‌های ۶ و ۷).

جدول ۶. متوسط قیمت زمین درون و بیرون بافت روستاهای نایسر و حسن‌آباد طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۷۵ (تومان)

متوسط قیمت هر مترمربع	سال ۱۳۷۵		سال ۱۳۸۰		سال ۱۳۸۷			
	نایسر	حسن‌آباد	نایسر	حسن‌آباد	حد اقل	حد اکثر	متوسط	
زمین در معابر اصلی	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰
زمین در معابر فرعی	۵۰۰	۵۰۰	۲۰۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
زمین کشاورزی بیرون بافت	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	۴۰۰۰۰

منبع: براساس مطالعات میدانی و پرسشگری از شورای اسلامی و دهیاری روستاهای حسن‌آباد و نایسر، ۱۳۸۷

رشد شتابان جمعیت روستاهای نایسر و حسن‌آباد، باعث افزایش تقاضا برای زمین شده است. چنین تقاضایی ناشی از «انعکاس مطلوبیت استفاده از زمین» (Balchin, 1995, 48) و مطلوبیتی است که تنها به‌خاطر مجاورت مکانی با شهر توجیه می‌شود. به این صورت بود که قیمت زمین در این روستاها افزایش فوق‌العاده‌ای یافت. رونق بازار زمین در روستا و افزایش شتابان قیمت آن - به طور متوسط ۱۰۰ تا ۴۰۰ برابر طی ۱۲ سال (جدول ۶) - باعث ایجاد و تقویت انگیزه در کشاورزان برای تغییر کاربری و فروش اراضی تحت تملک آنها شده است. بدین ترتیب برخی از کشاورزان به بورس‌بازان زمین تبدیل شدند و باغ‌ها و اراضی زراعی‌شان را در داخل روستا و حتی در فاصله نسبتاً دور از محدوده آن، تخریب کردند (شکل‌های ۲ تا ۵) و پس از قطعه‌بندی، در معرض فروش به بالاترین قیمت ممکن قرار دارند. برخی دیگر از کشاورزان روستا ضمن بایر کردن زمین‌های زراعی و تخریب کاربری باغ‌ها، به امید افزایش بیشتر قیمت آنها را به

صورت بایر نگه می‌دارند؛ و به عبارتی دیگر، زمین‌های کشاورزی را به «آیش اجتماعی» می‌گذارند، به گونه‌ای که هم‌اکنون زمین‌های بایر بیش از ۵۳ درصد از کل مساحت روستاهای مورد مطالعه را دربرگرفته است (جدول ۷).

جدول ۷. کاربری اراضی وضع موجود روستاهای نایسر و حسن‌آباد در سال ۱۳۸۷

نوع کاربری		حسن‌آباد		نایسر	
		مساحت (مترمربع)	درصد از سطح کل	مساحت (مترمربع)	درصد از سطح کل
سطوح ساخته‌شده	مسکونی	۲۴۲۹۰۳	۱۶/۶۱	۳۷۲۹۲۹	۱۴/۴۷
	تجاری	۹۸۵۸	۰/۶۷	۱۹۹۱۶	۰/۷۷
	آموزشی	۸۶۹۱	۰/۵۹	۷۲۲۳	۰/۲۸
	مذهبی	۱۴۱۶	۰/۱۰	۱۳۶۸	۰/۰۵
	بهداشتی - درمانی	۴۹۰۷	۰/۳۴	۹۵۵	۰/۰۴
	اداری - انتظامی	۱۶۷۰	۰/۱۱	۲۵۸	۰/۰۱
	تأسیسات و تجهیزات	۳۳۳	۰/۰۲	۲۱۰۳۶	۰/۸۲
	کارگاهی	۱۹۸۸۹	۱/۳۶	۷۲۵۶	۰/۲۸
	گورستان	۲۴۱۰۰	۱/۶۵	۱۲۴۵۹	۰/۴۸
	معابر	۳۱۰۱۷۰	۲۱/۲	۶۶۹۵۷۷	۲۵/۹۹
	جمع	۶۲۳۹۳۷	۴۲/۶۵	۱۱۱۲۹۷۷	۴۳/۲
	باغ	۷۵۸۳۲	۵/۱۸	۴۴۱۱۰	۱/۷۱
سطوح ساخته‌نشده	رودخانه	۲۸۷۰	۰/۲۶	۱۳۵۰۰	۰/۵۲
	بایر	۷۵۹۱۲۴	۵۱/۹	۱۴۰۵۸۵۹	۵۴/۵۷
	جمع	۸۳۸۸۲۶	۵۷/۳۵	۱۴۶۳۴۳۹	۵۶/۸
	سطح کل روستا	۱۴۶۲۷۶۳	۱۰۰	۲۵۷۶۴۴۶	۱۰۰

منبع: براساس مطالعات میدانی، ۱۳۸۷



شکل ۳. تخریب و تقطیع باغ انگور در روستای نایسر، تابستان ۱۳۸۷



شکل ۲. تخریب باغ در روستای نایسر، تابستان ۱۳۸۷

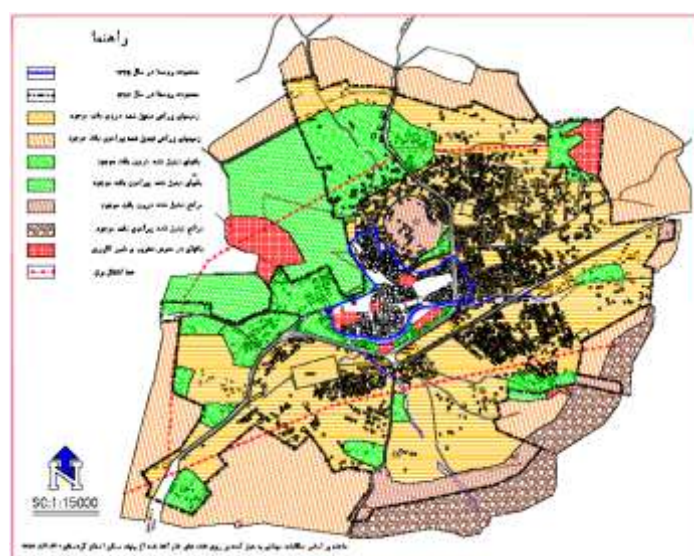


شکل ۵. تخریب باغ در روستای حسن‌آباد
تابستان ۱۳۸۷

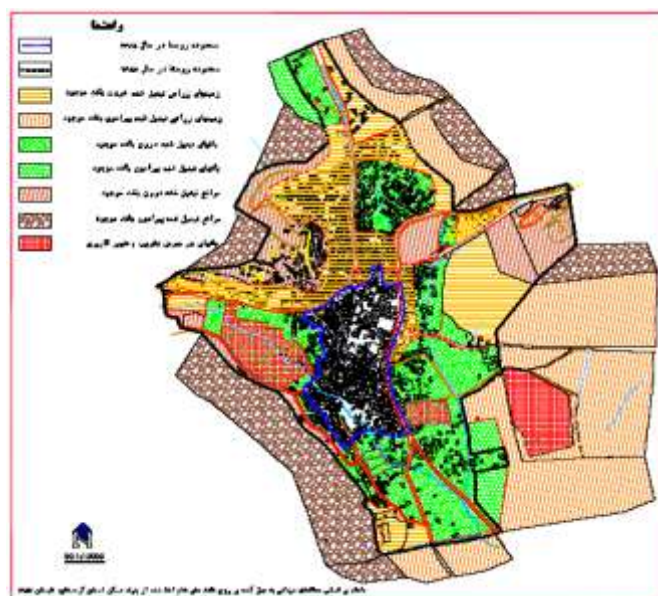


شکل ۴. بایر کردن زمین زراعی پیرامون روستای حسن‌آباد
تابستان ۱۳۸۷

درواقع افزایش بسیار زیاد جمعیت روستاهای نایسر و حسن‌آباد، که در نتیجه مجاورت با شهر سنندج و طی فرایند خزش شهر به این روستاها اتفاق افتاده، طی ۱۲ سال منجر به تغییر کاربری ۱۳۰/۳۳ هکتار باغ، ۳۴۸/۲۸ هکتار زمین زراعی و ۱۰۷/۹۳ هکتار مرتع در این روستاها شده است. همچنین ۲۴/۶۵ هکتار باغ درون و پیرامون روستاهای یادشده به شدت در معرض تخریب و تغییر کاربری هستند (جدول ۸ و شکل‌های ۶ و ۷).



شکل ۶. تغییر و تبدیل کاربری اراضی درون و پیرامون بافت کالبدی روستای نایسر طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۵



شکل ۷. تغییر و تبدیل کاربری اراضی درون و پیرامون بافت کالبدی روستای حسن آباد طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۵

جدول ۸. میزان تغییرات کاربری زمین در روستاهای حسن آباد و نایسر طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۷۵ (به هکتار)

نام روستا	نایسر	حسن آباد	مجموع
مساحت محدوده روستا در سال ۱۳۷۵	۱۵/۲۲۷۱	۱۸/۰۳۵۵	۳۳/۲۶۲۶
مساحت محدوده روستا در سال ۱۳۸۷	۲۵۷/۶۴۴۶	۱۴۶/۲۷۶۳	۴۰۳/۹۲۰۹
تغییر در کاربری زمین‌های درون محدوده	باغ	۴۸/۳۷۱۱	۹۳/۷۲۶۴
	زراعی	۳۸/۷۳۵۴	۲۰۵/۶۵۷۴
	مرتع	۲۵/۲۰۳۶	۴۰/۰۶۳۵
	مجموع	۱۱۲/۳۱۰۱	۳۳۹/۴۸۷۳
تغییر در کاربری زمین‌های بیرون محدوده	باغ	۶/۰۰۸۹	۳۶/۶۰۶۷
	زراعی	۶۲/۳۸۱۴	۱۴۲/۶۲۲۷
	مرتع	۴۳/۲۰۳۳	۶۷/۸۷۳۳
	مجموع	۱۱۱/۵۹۳۶	۲۴۷/۱۰۲۷
باغ‌های در معرض تغییر کاربری درون بافت	۴/۴۱۱۰	۷/۵۸۳۲	۱۱/۹۹۴۲
باغ‌های در معرض تغییر کاربری بیرون بافت	۶/۲۱۰۱	۶/۴۴۷۲	۱۲/۶۵۷۳

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۷

روستاهای نایسر و حسن‌آباد، درواقع بخشی از افزایش جمعیت و گسترش شهر سنندج است که طی فرایند خزش شهری به‌صورت منفصل از شهر در روستاهای پیرامون آن اتفاق افتاده است (شکل ۸) و اینها به مرور زمان مانند روستاهای هشت‌گانه مندرج در جدول ۲ در بافت شهر ادغام خواهند شد.

منابع

- اهلرس، اکارت، ۱۳۸۰، سرمایه‌داری بهره‌بری و تکوین شهر در شرق اسلامی (نمونه ایران)، مجموعه مقالات ایران: شهر - روستا - عشایر، ترجمه عباس سعیدی، چاپ اول، نشر منشی، تهران.
- باستیه، ژان و برنارد دزر، ۱۳۸۲، شهر، ترجمه علی اشرفی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۱، تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، سال سی‌وچهارم، شماره ۴۳، صص ۹۴-۸۱.
- سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۷۴، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، جلد ۳۵، سنندج، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، تهران.
- سازمان مسکن و شهرسازی استان کردستان، ۱۳۸۷، طرح بازنگری طرح جامع شهر سنندج، سنندج.
- شاریه، ژان برنار، ۱۳۷۳، شهرها و روستاها، ترجمه سیروس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد.
- شکوئی، حسین، ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
- شورای اسلامی، دهیاری و خانه بهداشت روستاهای نایسر و حسن آباد، ۱۳۸۷.
- قادرمزی، حامد و مریم افشاری، ۱۳۸۷، تحلیل تطبیقی تحولات شهرنشینی و روستانشینی منطقه زاگرس طی نیم قرن اخیر، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های سنتی زاگرس، انتشارات دانشگاه کردستان، سنندج.
- قادرمزی، حامد، ۱۳۸۳، نقش روستا شهرها در توسعه روستاهای پیرامونی؛ مطالعه موردی روستا شهر دهگلان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، به راهنمایی دکتر مهدی طاهرخانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- قادرمزی، حامد، ۱۳۸۸، تحولات ساختاری-کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج در فرایند گسترش فضایی شهر طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۵، پایان‌نامه دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، به راهنمایی محمدحسن ضیاء توانا، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران.
- لوبو، پیر، ۱۳۵۴، بنیان‌های بزرگ زراعی در جهان، ترجمه محمود محمودپور، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آذربادگان، تبریز.
- مأمورد، لوییس، ۱۳۸۷، شهر در بستر تاریخ، ترجمه احمد عظیمی بلوریان، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵، فرهنگ آبادی‌های کشور، استان کردستان، چاپ اول، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، فرهنگ آبادی‌های کشور، شهرستان سنندج، چاپ اول، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان سنندج، چاپ اول، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.
- مهدی‌زاده، جواد، ۱۳۷۹، برنامه‌ریزی کاربری زمین، تحول در دیدگاه‌ها و روش‌ها، فصلنامه مدیریت شهری، سال چهارم، شماره ۱۴-۱۳، صص ۶۷-۵۹.
- نظریان، اصغر، ۱۳۸۱، شهرهای جهان آینده؛ قانون فاجعه انسانی یا بستر تعامل فرهنگی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی

رویکرد فرهنگی به جغرافیا: بستری برای گفتگوی تمدن‌ها، به کوشش محمدحسین پاپلی یزدی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.

Anas, A., 1999, **The Cost and Benefits of Fragmented Metropolitan Governance**, The New Regionalist Policies, state university of New York at Boffalo, symposium of Regionalism: promise and problems.

Audrey N. Clark, 1985, **Longman Dictionary of Geography**; human and physical, Longman.

Balchin P. N. & others, 1995, **Urban Land Economics and Public Policy**, fifthed, Mcmillan.

Frumkin, H., 2002, **Urban Sprawl and Public Health**, public health reports, may-june, volume 117, p: 201-217.

Hartke, W., 1956, **Die Socialbrakhe als Phaenomen der Geograpischen Differenzierung der Land Wirtschabt**, In: Erdkunde 10, 5, 257-269.

United Nation Development Program (UNDP), 2002, Human Development Index Report (HDI), United Nation.

Lungo, M., 2001, **Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America, Land Lines**, Volume 13, N. 2, p: 28-39.

Martinuzzi, Sebastián, William A. Gould, Olga M. Ramos Gonz'alez, 2007, **Land Development, Land use, and Urban Sprawl in Puerto Rico**, integrating remote sensing and population census data, Landscape and Urban Planning, No. 79, p: 288-297.

Ryan, M., 2001, **Spatial Patterns of Population Growth and Habitat Change in Ventura County Under Different Local Policy Constraints**, USC GIS Research Laboratory.

Yuji Hara, Kazuhiko Takeuchi, Satoru Okubo, 2005, **Urbanization Linked with Past Agricultural Landuse Patterns in the Urban Fringe of a Deltaic Asian Mega-city: a case study in Bangkok**, Landscape and Urban Planning, N. 73, p: 16-28.

Zhang Deng, Jikun Huang, Scott Rozelle, Emi Uchida, 2000, **Growth, Population and Industrialization, and Urban Land Expansion of China**, Journal of Urban Economics, N. 6, p:119-128.